



« اهمیت راهنمای نقاشی در امر تربیت از راه هنر »

پرتال جامع علوم انسانی

اگر بتوانیم روح آفرینندگی کودک را که
 با کوشش او برای درک دنیای پیرامونش پیوسته
 در حال رشد است حفظ کنیم و کودک را در برابر
 احساسش آزاد بگذاریم او را یاری کرده ایم تا
 انسانی آفریننده و سازنده بار آید .
 « کاترین اوتینگر »

از این روبروش نادرست و گمراه کننده و مسموم کننده نقاشی تقلیدی از روی مدل بکار خود ادامه داده روح خلاقیت «تفکر» ابداع و ابتکار را در شاگرد از میان میبرند .

در حالیکه يك راهنمای هنری باید همچون يك باغبان دلسوز به بررسی و شناخت شاگردان خود پرداخته با آنها بطور فردی و گروهی کار کند . کاری که نتیجه اش بکار افتادگی مغزها، روشن شدن ذهن ها و نیروهای خلاقه و ابداع است . کاری که ثمره اش انسانهای متفکر و سازنده است . کسانی که اجتماع ما به وجود آنها بیش از هر چیز دیگری نیاز منداست . بنا بر این بجای معلم ما در فعالیتهای هنرهای تجسمی به راهنمای متخصص احتیاج داریم . برای روشن شدن این مطلب اضافه میکنم که معلم یعنی تعلیم دهنده ، در حالیکه در فعالیتهای هنری شاگرد احتیاج به راهنمای متخصص هنری دارد . راهنمایی که به اصول آموزش و پرورش هنری آشنا باشد .

آموزشی که در حال حاضر در دانشسراهای مقدماتی و تربیت معلم به کارآموزان داده میشود که بی شك ارزشمند است . غافل از اینکه در مورد شناساندن هنر های تجسمی به کارآموزان این موسسات کوتاهی میشود .

راهنمایان آینده هنری را باید با عوامل اصلی هنر های تجسمی آشنا کرد . این عوامل عبارتند از : خط، رنگ، فرم، فضا، زمینه و اصل خواص . راهنمایان با آشنائی و تجربه در این اصول قادر خواهند شد با اعتماد و مهارت روز افزون مسائل و مشکلاتی را که با آن برخورد خواهند کرد رفع نمایند .

آنها در اثر تمرین و تجربه به این حقیقت که برای شناختن باید خوب نگاه کرد پی خواهند برد و توجه خواهند داشت که دقت و توجه در نظاره کردن مستلزم دخالت جدی تمامی شخصیت انسانی است .

کار قضاوت آثار شاگردان

کار قضاوت بسیار حساس و مشکل است بخصوص اگر قضاوت در مورد آثار کودکان و جوانان باشد .

اصولا چون معلمان فعلی مادر مدارس و دبیرستانها در امر فعالیتهای هنری بی تجربه بوده و فاقد قریحه هنری هستند بهیچ وجه صلاحیت قضاوت در مورد آثار شاگردان را ندارند . آنها خیلی راحت و سطحی کار شاگردان را با مدل یا نقاشی که پای تخته کشیده شده است مقایسه کرده تکلیف شاگرد را با نمره ای روشن میکند .

غافل از اینکه این عمل ضربه هولناک و جبران ناپذیرای است که نیروهای مختلف را در شاگرد کشته شخصیت و روح سازندگی را در آنها از

در آموزش و پرورش امروزی دنیا فعالیت در زمینه هنر های تجسمی در مدارس و دبیرستان ها اهمیت فوق العاده داشته و در سازندگی کودکان و جوانان نقش اساسی دارد . در حالیکه در مؤسسات آموزشی ماهرهای تجسمی برای شاگرد و معلم ناشناخته مانده است و اهمیت چندانی بدان داده نمیشود .

علت اصلی ، عدم توجه به این مسئله نداشتن کارشناسان هنری برای ارشاد و راهنمایی کودکان و جوانان است . این مشکل مهم سبب شده است که فعالیتهای هنری بخصوص نقاشی و کاردستی ارزش واقعی خود را از دست بدهد و تا حد صفر تنزل کند . بهمین دلیل در حال حاضر در مدارس و دبیرستانهای ما از وجود کسانی برای فعالیتهای هنری استفاده نمیشود که بهیچ وجه صلاحیت تدریس نداشته و ورزیدگی و تجربه کافی در فعالیتهای هنری ندارند .

از همه مهمتر آنکه آنها به روابط موجود بین فلسفه تربیت عمومی و فلسفه آموزش و پرورش در هنرهای تجسمی آشنا نیستند و به اهمیت ارتباط این دو موضوع مهم پی نبرده اند .

بین می برد .

بر عکس روش جدید فعالیت‌های هنر تجسمی برای قضاوت آثار شاگردان ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل است . زیرا آثار شاگردان را نسبت به خود آنها و در حد توانائی و نیروهای مختلفی که در آنها فعالیت میکند قضاوت کرده تا حد امکان آنها را در داوری و شناخت آثار خود و دیگر دوستان آنها سهیم میکند .

زیرا منظور کلی آن است که از راه تربیت بوسیله هنر درك هنرجوران اندازه‌ای بالا برد که خود او درست و خوب را از غلط و بد تشخیص دهد . به این ترتیب راهنمای هنری که به شیوه نو مجهز است می تواند این تشخیص را در شاگردان نسبت به یکدیگر بوجود آورد .

برای پیشرفت حس تشخیص می توانیم از کتب و فیلم‌های هنری استفاده کرده آگاهی و آشنائی بیشتری برای آنها فراهم آوریم هر چه این آگاهی بیشتر باشد همفکری و همکاری در فعالیت‌های هنری و فرهنگی میان همه کودکان و جوانان دنیا بیشتر خواهد شد و توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد . مسئله دیگر توجه به روانشناسی کودکان و جوانان و رابطه آن با آفرینش هنر است .

در مدارس عالی و دانشسراهای مقدماتی روانشناسی کودک و شناخت جوانان از راه تجزیه و تحلیل روانی از مواد برنامه درسی است که تا اندازه‌ای به آموزگاران و دبیران در شناخت روان کودکان و جوانان کمک میکند در صورتیکه تحقیق دقیق در باره رشد هنری و روحی کودک از طریق مطالعه نیروی خلاقه او جزء برنامه آموزشی معلمان آورده نشده است در نتیجه هنر آموزشی تربیت میشوند که آشنائی کافی به مسائل هنری و روانشناسی نداشته قادر به درك ابداعات تجسمی شاگردان نمی باشند . بدلائل بالا آموزش و پرورش از طریق فعالیت‌های هنری در مدارس دروضع فعلی نه تنها سودمند نیست بلکه مضر و مسموم کننده نیز میباشد . چرا که هیچ رابطه‌ای از نظر فردی و اجتماعی بازندگی کودکان و جوانان ندارد .

بنا بر این باید طریقه‌ای برای پیشرفت تربیت شاگرد از راه هنر برگزید که نه تنها باعث رشد شخصی و فردی کودک باشد بلکه روح اجتماعی را نیز در او پرورش دهد .

آموزش و پرورش از طریق فعالیت‌های هنری با محیط زندگی شاگرد بستگی دارد . پس باید او را یاری کرد تا به اوضاع اجتماعی و مسائل و امکانات که در زندگی وجود دارد توجه مخصوص داشته کنجکاو و دقیق و جستجوگر بارآید و از این راه بتواند احتیاجات خود را بهتر و زودتر تشخیص داده راه زندگی آینده را هموار کند .

بطور کلی هنر بهر نحوی که آنرا تفسیر کنیم در آنچه که برای ارضای حواس خود انجام میدهیم نمایان می گردد انتخاب کفش و لباس خرید سرویس‌های مختلف غذا خوری مبلمان منزل مرتب کردن خانه یا محل کار درست کردن باغچه و خیلی از کارهایی که در مدرسه انجام میدهیم همگی کم و بیش نموداری از درك هنری ما می باشد .

راهنمای هنری لازم است محیط زندگی و امکانات مختلف آنرا به شاگردان بشناساند . و خود شخصاً توانائی تشخیص و شناخت محیط‌های دیگر را داشته در معرفی آنها بشاگردان کوتاهی نکند ، در واقع راهنمای هنری در امر تربیت و هنر باید مانند یک هنرمند دارای قوه تشخیص و درك حقایق باشد « معتقد و پابند اصول ضمنا با هوش « دقیق » وقت شناس و باحسن نیت باشد . بطور کلی راهنمای هنری به حساسیت هنرمند و فراست و تیز هوشی نیاز دارد .

علاوه بر مطالبی که گفته شد نکات دیگری نیز هست که توجه به آنها از وظایف راهنمای هنری بوده بسیاری از مشکلات و موانع ضمن کار را از پیش پا بر میدارد .

چگونگی روبرو شدن راهنمای هنری با شاگردان برای درك متقابل و ایجاد رابطه از مسائل مهم راهنمای هنری است . معمولاً اکثر شاگردان از معلمان حساب میبرند ، در این میان شاگردان کم رو و خجالتی هرچقدر هم با استعداد باشند از نظر دور مانده از شاگردان طبیعی و باجرات عقب میمانند .

پس لازم است با ایجاد يك رابطه صحیح انسانی و اعتماد متقابل بین شاگرد و راهنمای هنری در محیط کار روح همکاری و دوستی بوجود آید . دوم خسته شدن شاگردان است . راهنمای هنری نباید کاری کند که خستگی و دلزدگی در وجود شاگردان رخنه کند ، برای اینکار باید تدریجاً و در حد توانائی روحی و جسمی شاگرد روشی انتخاب کنند که بدان وسیله شاگرد دائماً در جستجوی راههای تکمیل و پیشرفت کار خود باشد .

نکته سوم توجه به نظم در آزادی است . راهنمای هنری وظیفه دارد از طریق فعالیت های عملی در شاگردان عادت هائی را بوجود آورد که پسندیده بوده در سازندگی شخصیت آنها مؤثر باشد .

استفاده از وسائل کار و جمع آوری و محافظت ، شروع و پایان رساندن هر کار و توجه به رعایت حال همکاران در محیط کار جنبه های است که میتواند به خودشناسی و سازندگی شاگردان در سنین مختلف کمک کند .

چنین شاگردانی علاوه بر اینکه در مدرسه به فعالیتهای هنری مشغول میشوند در خارج از مدرسه نیز در فرصتهای مناسب از تأثیرهای طبیعی و ضمیر خود برای خلق آثار جدید استفاده میکنند. آثاری که بدین ترتیب بوجود میآید تنهایی نقاشی و کاردستی ساده نیست بلکه تجارب روزانه، ماهانه و سالانه این قبیل شاگردان است شاگردانی که با فراست و دید ویژه خود هر روز در خلق آثار هنری و پیشتر میروند. شاگردانی که به این طریق یعنی با روشی آزاد و نظم و انضباط مخصوص بخود در شرائط گوناگون کار میکنند در وقت کارسزار از شور و شغف فوقالعادهای هستند. شادی و شغف آنها در ساعت نقاشی و کاردستی ثابت میکند که این فعالیت برای کودکان و جوانان

سراسر دنیا يك نیاز ضروری است. پس باید کوشش کرد و ترتیبی داد که این شور و نشاط بسویله فعالیتهای هنری در مدرسه و خانه روز بروز زیاد تر گردد.

وقتی کودک بصحیح کار کردن و منظم بودن عادت کرد خود بخود وقت شناس «حساس» و دقیق بار خواهد آمد و در عین آزادی به تمام وظائف و تکالیف خود با نظم و انضباط مخصوص رسیدگی خواهد کرد.

نظم و قاعده نه تنها در کارهای هنری او مؤثر است بلکه در کارهای غیر هنری و وظائفی که اجتماع به عهده او میگذارد تأثیر داشته کوشش میکند آنها را خوب مرتب و بجا بدون اینکه مزاحمتی برای دیگران فراهم کند انجام دهد و این آرزوی يك خانواده، يك اجتماع و يك ملت است ...

اصغر محمدی

نگاهی بوضع نابسامان تدریس نقاشی در مدارس

حق ندارد سئوالی بکند هر کس که کوچکترین خلافی انجام دهد کتک مفصلی خواهد خورد و به بیرون کلاس پرتاب خواهد شد. و برعکس کلاس هائی هم وجود دارد که هیچگونه نظم و انضباطی در آن بچشم نمی خورد و به اصطلاح معروف شاگردان از سر و کول معلم نقاشی بالا می روند در اینگونه شرائط است که کودکان مجبورند نقاشی کنند و حتما نقاشی آنها باید شبیه مدل باشد و در غیر این صورت يك نمره صفرپای ورقه نقاشی جای می گیرد.

این روش غلط اولاً به مقدار بسیار زیادی قوه تصور و تخیل را از کودک می گیرد و نمی گذارد که او شخصا به مسائل اطراف خود فکر کند و نتیجه گیری نماید.

ثانیاً به قدرت اراده کودک لطمه بسیار شدیدی وارد می آورد زیرا وقتی او را مجبور می کنیم که از فلان مدل نقاشی تقلید کند و هر چه در آن کشیده شده است همان را بکشد دیگر برای او اراده ای باقی نمی ماند او تابع نقش هائی است که در مدل وجود دارد.

ثالثاً با این روش غلط نیروی شگرف کنجکاوی کودکان را از او می گیریم و ذهن او را مشغول همان نقش های مبتذل و معمولی می کنیم که در مدل قرار دارد و او جز این نقش ها به چیز دیگری فکر نمی کند.

با توجه به مطالب بالا هدف هنر آموزان نقاشی باید ایجاد حس ابتکار - تقویت نیروی تخیل - اتکاء به نفس، تقویت دید هنری و بالاخره ایجاد ذوق و علاقه به هنر والای نقاشی باشد.

کودکان هر جامعه ریشه و پایه نسل آینده زمان خود هستند و برای اینکه اجتماعی سالم و توانا و عاری از هرگونه نقص تربیتی بوجود آید باید در درجه اول کودکان آن جامعه را در معرض تعلیم و تربیتی صحیح و اساسی قرار داد. اگر درختی امروز کج است مسلماً از روز نخست کج نهاده شده است و اگر امروز ما بندرت به آثار نقاشی کودکان که در سطح جهانی باشد بر میخوریم - بخاطر نحوه غلط تدریس این هنر در دبستان های ما است.

سالهاست که در برنامه فرهنگی مملکت مدارس نقاشی گنجانده شده است ولی متأسفانه کسانی که کلاسهای نقاشی مدارس را اداره میکردند اکثراً به مسؤلیتی که بعهده داشتند بی توجه بودند در حقیقت آنها مسأله تعلیم و راهنمایی نقاشی کودکان را نمی دانستند و از عوامل روحی و احساسات کودکان بی خبر بودند. عاملی که بیش از هر چیز باعث ایجاد شخصیت واقعی در کودک می گردد این است که به او اجازه داده شود هر چه را که فکر میکند آزادانه و بدون هیچ قید و بندی بیان کند. این مطلب احتیاجی است که کودک زمان ما آنرا حس میکند و هنر آموزان نقاشی باید آنرا رعایت کنند.

همانطور که میدانیم روش تعلیم نقاشی به کودکان در اکثر مدارس کشور بدین شیوه است که معلم کودکان را مجبور میکند از روی مدل های متداول نقاشی نقش هائی را تقلید کنند و هنگام نقاشی کاملاً ساکت و آرام باشند و با هیچکس حرف نزنند که مبادا کلاس شلوغ شود و هیچکس

از کتاب راهنمای نقاشی کودکان تألیف آقایان غلامحسین نامی - اصغر محمدی - محمد جعفری از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.